فهرست شد
گلچین معانی

میکرو فیلم تهیه شد

آستان قدس

۹۵۳۰ کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب کنز اللغات فارسی
مصنف محمد بن عبد الخالق بن معروف
مؤلف
خطی نستعلیق ۱۷ سطری
چاپی
سال ~~چاپ~~ تحریر ۱۰۴۴ ق عدد اوراق ۲۸۱
جزء کتب لغت* شماره
شمارهٔ عمومی ۹۵۲۹ شمارهٔ قبض
واقف خان بابا مشار تاریخ وقف خرداد ۱۳۴۵
طول [illegible] عرض ۲۰ گنجه

خط رضاقلیخان هدایت درست ورق اول حاشیه سید اصغر ۱۲
*شماره کتاب ۹۵۲۰ است.

بازبینی شد
ع ۱۳۵۴

سال ۱۳۶۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی
باز بین شد
۱۳۵۲

ابتدای هر سخن آن چیز در هر مقام که بود با حمد معبود خدای نیک نام
جواهر کنوز لغات حمد و ستایش بارگاه حضرت متکلمی که زبان اصناف آدمیان از کلید گنج
جان کرد و انبه دار باب الالباب را به تشریف تنزیل انا انزلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون
باوج شرافت رسانید • درود نامحدود و صلوات نامحصوره بر سید ابرار و ما ارسلنا من رسول الا
بلسان قومه وضع انوار انا افصح العرب بیدانی من قریش یعنی افصح فصحای جهان و افضل
جمیع پیغمبران محمد مصطفی و بر عترت نجبای او و صحابه نقبای او باد • و بعد چنین گوید محتاج مغفرت حضرت غفور الرؤف محمد
بن عبد الخالق بن معروف عفی الله تعالی بفضله عن ذنوبهم وضاعف انوار سعادت محبته فی قلوبهم که بر
اصحاب معنی و حقیقت و اهالی دانش و بصیرت و جویندگان معرفت انواع لغت مخفی و پوشیده که بر
لغات هر صنفی از اصناف انسان شرف فصاحت کلمات ایشانست و افصح هر کلام کلام ملک علام
حدیث افضل من اوتی الحکمة وفصل الخطاب و بهترین کلامهای حق در حمید قرآن کریم مجید است که
بلغت عرب نازل شده است که وهذا لسان عربی مبین پس نظر بر جهات لغت عرب
جمیع لغات باشد و چون لغة فرائد عربیست هر آینه جهة شناختن معانی احادیث شریف نبوی الفاظ کریمه

قرائه

قرآنی رهبر فردی از افراد انسانی که بر منهج مستقیم مسلمانی قائم باشد دانستن لغات عربی واجب و لازم
بیت بی لغت معلوم کی گردد علوم • چون لغت گشت مفتاح علوم • بنابرین بتوفیق الله
معین نسخه در ترجمه اکثر امهات لغات عربیه و تمام لغات قرآنیه ترتیب نمودم و انتخاب آن از کتاب صحاح و
مجمل و دستور و مصادر و استعارات بدیعی و لغات القرآن و شرح نصاب کردم بر وجهی که پیدا
کردن هر لغتی بتوفیق الله المنان بغایت آسان باشد و چون شرافت عظمی لغت عربیه بواسطه عربی بودن
قرآن و عرب بودن منزل علیه آنست یعنی اعظم انبیاء کرام علیه صلواة الله العلام پس بالحقیقة مناسب و سزاوار
مزین کردن مقدمات صفحات کنز اللغات بزینت جواهر دعا و حلیه لالی ثناء اکرم اولاد افصح العرب و سید
المرسلین و اعلم اجداد و اکمل البشر و خاتم النبیین علیه صلوات الله رب العالمین یعنی بندگان حضرت اعلی سلطان
سلاطین داد گستر و برهان خواقین فضل پرور اعظم نجباء حکام و دودمان آل عبا و اکرم خلفا خاندان قل
لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی • قدوه نتایج مورد انا فتحنا لک فتحا مبینا
زبده اخلاق مظهر لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا آفتاب برج شرف آسمان مراحم و عطا چراغ خلوت
سرای مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نجا و من رکب علیها نجا ثابت نهال الملک
والدین نوا امان برارنده لوای ان الله یأمر بالعدل والاحسان بیت شه دانا دل دریای
عرفان مه برج کرم خورشید احسان • خطاب اصل او لولاک لولاک • نشان ملک او انا جعلناک بنا اساس
سلطنة اندر هر لغت دانش زبانها جمله در مدحش در افشان • خدیو باج گیر تاج داران • نظام ملک ایران شهریاران
دور لقمان رای کامل • جهان گیر جهان آرا و عادل • معلای مزکی و ممجد • سزاوار شهان
سلطان محمد • جهان داری که عقل و فهم آدم • نزاد از کشش نی آورد ندم • خرد چون قاصر است از وصف داد و دهش

وسوگند ومنزلت نیک وقوت وتوانایی یفن مرد پیر یقین بی شبه وآنچه در قرآن آمده
که حتی یاتیک الیقین بمعنی مرگ تفسیر کرده اند زیرا که مرگ هم بی شبه است پس معنی آن باشد
که حتی یاتیک یقین معین زیرا که الف لام الیقین عهد ذهنی است ییتن [illegible] بچه که پا
کون زایید شود یعنی پایش پیش از سر بیرون آید یقطین درخت بی ساق هم
درخت کدو وخیار وخربزه ومثل آن یین اسم مکانی است باب
الیاء مع الواو من غیر المصادر یدعو میخواند یغزو غزا میکند
ینمو افزایش میکند یجبو فرو میرد یربو افزون شود یصبو
میل کند یطبو بخواند یکبو سر در می آید ینبو واپس جهد وقرار نگیرد یلبو
گرد بر خیزد وآتش فرو میرد یشتو زمستان بجایی می آید وقحطی شود
یعتو از حد در میگذرد یقتو خدمت پادشاه میکند یجثو بزانو نشیند
یحثو خاک می پاشد یرجو امید دارد یشجو اندوهگین کند
ینجو برهد وغایط کند وپوست از گوشت باز کند یهجو هجو میگوید یدجو
میگیرد اند ینخو بخشش میکند یبدو پیدا میشود یجدو در می خواهد
یعدو میدود وبر میگرداند ودر میگذرد یغدو در بامدادی رود یندو
به انجمن ومحفل میرود یذرو میرود بشتاب میرود یکسو جامه میپوشد یحشو
اکنده میکند یفشو آشکار میشود یسطو حمله میبرد یلغو بیهوده میگوید
یطفو بقا بر سر آب بر می آید یعفو از گناه در میگذرد وبسیار میشود یبلو می آزماید

یحلو

یحلو شیرین میشود ومیگذرد یعلو از حد در میگذرد بلند میشود واز صدر در می
گذرد وبر بالای چیزی میشود یغلو از حد در میگذرد وگران نرخ میشود
یسمو بلندی شود یدنو نزدیک می آید یزهو تکبر میکند یسهو غافل
غافل میشود وفراموش میکند یلهو بازی میکند باب الیاء مع
الهاء من غیر المصادر یهیاه ویاه یاه هر دو اسم ندا اند که بآن
کسی را خوانند باب الیاء مع الیاء من المصادر یری
بدیت کسی رسیدن وبوسیدن دیت وبه دیت در دام افتادن من غیر
المصادر یهدی ویهدی ویهتدی راه راست میگیرد واین
هر سه مضارع اند از باب افتعال واصل یهتدی ویهتدی بوده است
یدی فراخ ودستها واو مفرد وجمع آمده است یدی بضم یا منتهائی
نزدیک میشود واو فعل مضارع است مشتق از ولی یایی جمع یو بوءا ست

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب
فی ید العبد الضعیف النحیف المحتاج
الی رحمة الله معز الدین محمد ولد محمد نصیر
السرکانی رحمة الله علیهما فی الدار
السلام بغداد
سنه اربع واربعین والف من الهجرة النبویة

باز بین شد
۱۳۷۱ش

این کتاب مسمی بکتاب کنز اللغه فی لغه العربیه

بتاریخ یوم غره شهر محرم الحرام که سنه ۱۳۱۶

هزار و سیصد و شانزده از هجره نبویه وانی

در بیت و هفتاد و دو سال بعد که نوشته شد بعد

این تاریخ نوشته گردید ۸ کریم ابن خصوص

۱۳۱۶